

### عدالت توزیعی در رویکرد اقتصادی امام علی (علیه السلام)

محسن حاجی زاده\* / سیدعلی حسینی\*\* / علی محمدیان\*\*\* / سیدمحمد حسینی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

#### چکیده

کیفیت توزیع بیت‌المال یکی از مسائل مهم در نظام اسلام است و توزیع عادلانه آن می‌تواند باعث ایجاد نشاط اقتصادی، رفاه عمومی و تأمین اجتماعی در همه اقشار جامعه گردد. مسئله مورد بحث در این پژوهش این است که امام علی (علیه السلام) در مسئله توزیع بیت‌المال چه روشی را بکار گرفته‌اند؟ و به عبارت دیگر سیره امام علی (علیه السلام) در اجرای عدالت در توزیع بیت‌المال بر کدامین پایه‌ها و اصول استوار بوده است؟ برای دستیابی به این مهم با تتبع در کتب مرتبط و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی مسئله مورد مذاقه قرار گرفت. در این پژوهش پس از بررسی شیوه‌ی عملکرد امام علی (علیه السلام) در توزیع بیت‌المال به این نتیجه رسیدیم که امام علی (علیه السلام) با علم بی‌نظیر خود توانستند هزینه‌های بیت‌المال را جهت‌دار کنند، به طوری که در صدد رشد اقتصادی همگون جامعه در همه عرصه‌ها بودند، و این رشد را معطوف به یک قشر خاص نکرده، بلکه خواهان رشد همه اقشار جامعه بوده و به شدت از تمرکز ثروت و ایجاد فاصله طبقاتی پرهیز کردند، در این راستا ابتدا با معیار کار، نیاز و مصلحت، سهام را می‌پرداختند و سپس تمام گروه‌ها به طور یکسان از بیت‌المال سهم می‌بردند.

#### واژگان کلیدی

عدالت توزیعی، بیت‌المال، امام علی (علیه السلام)، عدالت اجتماعی، جامعه اسلامی.

\*. استادیار گروه حقوق مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران. (نویسنده سئول) [hajizadeh.mohsen@gonabad.ac.ir](mailto:hajizadeh.mohsen@gonabad.ac.ir)  
\*\*. دکتری فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه سراسری ارومیه. [soheil1365@hotmail.com](mailto:soheil1365@hotmail.com)  
\*\*\*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه بزرگمهر قاینات، قاین، ایران. [mohammadian@buqaen.ac.ir](mailto:mohammadian@buqaen.ac.ir)  
\*\*\*\*. استادیار گروه حقوق مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران. [hosseini.s.m@gonabad.ac.ir](mailto:hosseini.s.m@gonabad.ac.ir)

بیت‌المال به عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصادی اسلام، نقش مهمی در اقتصاد بخش عمومی بر عهده دارد و توزیع عادلانه آن می‌تواند باعث ایجاد تحرک و نشاط اقتصادی با ره‌آورد توازن، رفاه عمومی و تأمین اجتماعی در همه بخش‌ها و اقشار جامعه گردد. متأسفانه پس از رحلت پیامبر ﷺ، بدعتهای خلفای سه‌گانه در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، آسیب‌های سخت بر جامعه اسلامی وارد کرده بود. در عرصه اقتصادی عملکرد مجموعی خلفا، جامعه اسلامی را به سمت و سوی ظلم و بی‌عدالتی کشانده بود و در اثر آن فاصله طبقاتی و اشرافیت در جامعه به وجود آمده بود (دلشاد تهرانی و حامی، ۱۳۹۵، ص ۱۹-۲۰) در زمان خلافت عثمان ثروت‌ها و دارایی‌های اسلامی حیف و میل می‌شدند و افراد خاص از آنها بهره‌مند می‌گردیدند و از عدالت هیچ‌گونه اثری باقی نمانده بود. عموم مردم از مزایایی که حق مشروع خود بود، محروم بودند و در ناراحتی و رنج به سر می‌بردند. در دوران حکومت دوازده ساله عثمان، در نظام سیاسی و دستگاه حاکمه انحرافات بسیاری در شؤون مختلف جوامع وسیع اسلامی به وجود آمد و در امور مالی و مصرف درآمدها و در عزل و نصب فرمانداران، ستانداران، قضات و در نظام اداری سازمان‌های دولتی و طرز رفتار کارگزاران و کارمندان با مردم تعدیات و تبعیضات زیاده از حد بود، که قاطبه مردم را بر ضد دستگاه حاکمه بر می‌انگیخت. (اجتهادی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۱) چنین شرایطی باعث شد که حضرت علی (علیه السلام) با هدف اصلاح اشتباهات و مقابله با انحرافات، شیوه مدیریتی خاصی را در جامعه و به ویژه در موضوع تقسیم بیت‌المال پیش گیرند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا الگوی مدیریت منابع بیت‌المال در اسلام و عدالت حاکم بر آن با مراجعه به تاریخ صدر اسلام خصوصاً سیره امام علی (علیه السلام) مورد واکاوی قرار گیرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای بازگرداندن وضع امور به مانند زمان رسول خدا ﷺ به اصلاح امور همت گماشت و در تمام شؤون اجتماع اسلامی دگرگونی‌های مهمی صورت داد. سوال اصلی در مقاله حاضر این است که سیره و راه و روش امام علی (علیه السلام) در اجرای عدالت<sup>۱</sup>



۱. عدالت پدیده‌ای پیچیده و در معرض تفاسیر گوناگون می‌باشد. به نظر می‌رسد در این جا بحث از جنبه نظری مفهوم عدالت مفید نباشد از این رو بهتر است بر جنبه‌های ویژه‌ای از بحث عدالت تأکید کنیم. لذا به بررسی جایگاه توزیع در شریعت می‌پردازیم. می‌توان اهداف اصلی عدالت توزیعی اسلام را به شکل زیر ترسیم کرد:

- تأمین نیازهای اساسی برای همه: تأمین نیازهای اساسی تمامی افراد جامعه هدف بنیادی توزیعی و بازتوزیعی اسلام است. در قرآن و متون روایی بر این هدف تحت قوانینی تصریح شده است. این هدف، بدون تردید در چارچوب اهداف عدالت توزیعی اسلام جای دارد.

- تقلیل نابرابری‌ها در درآمد و ثروت: دومین هدف کاهش نابرابری درآمد و ثروت است. این هدف نیز در قرآن صریحاً ذکر شده است. بسیاری از قوانین توزیعی و بازتوزیعی اسلام آشکارا ناظر به دستیابی به این هدف می‌باشند.

در توزیع بیت‌المال بر چه مبنایی استوار بوده است؟ برای دستیابی به پاسخ مناسب تلاش می‌گردد با تتبع در منابع مرتبط و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی مسئله را مورد تحقیق و مذاقه قرار گیرد.

### پیشینه پژوهش

بررسی توزیع عادلانه بیت‌المال موضوعی است که توجه بسیاری از پژوهشگران را در حوزه‌های اقتصادی، حقوقی و تاریخی به خود جلب کرده است. از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته مقاله آقای سیدجواد احمدی با موضوع «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تاکید بر اخلاق حکومتی امام علی (علیه السلام)» که نویسنده در آن تلاش نموده است تا با تحلیل نظریه‌های عدالت توزیعی یعنی کار و نیاز و برابری همگانی به ضعف این دیدگاه‌ها و در نهایت به برتری شیوه توزیعی اسلام که برگرفته از سیره علوی در حکومت ۵ ساله ایشان است برسد.

مقاله آقای محمد رحمانی با عنوان «بیت‌المال در نهج‌البلاغه» که نگاهی اجمالی به موضوع بیت‌المال در نهج‌البلاغه داشته و به مرور و توصیف کلیاتی در باب دخل و خرج بیت‌المال و تقسیم آن در دوره حکومت ۵ ساله حضرت بدون ارائه هیچ‌گونه تحلیل و بحث نظری، کاری دیگری در این زمینه است. مقاله آقایان غلام رضا مصباحی مقدم و... با عنوان «منابع درآمدی دولت اسلامی و کیفیت توزیع آن؛ مطالعه موردی: طرح نقدی کردن یارانه‌ها» با هدف ایجاد مبنایی شرعی برای دهک بندی یارانه‌بگیران و حذف قانونی و شرعی این افراد از دریافت یارانه در دولت اسلامی که اخص از موضوع این مقاله می‌باشد با نظر به دستاوردهای این محققان با داده پردازی منظم با تکیه بر روش تحلیلی - توصیفی، که برای رسیدن به نتیجه‌ای منطقی و ارائه الگویی مقبول در زمینه توزیع عادلانه بیت‌المال توسط امام علی (علیه السلام) که مستند به اسناد و مدارک معتبر فقهی و تاریخی می‌باشد.

مساله توزیع عادلانه بیت‌المال از پرتنش‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحث اقتصادی مطرح در سطح جامعه بوده که بررسی و تحلیل نگاه اقتصادی الگوی تمام عیار عدالت، امام علی (علیه السلام) می‌تواند راهگشای دولتمردان حکومت اسلامی در جهت برخورد عادلانه و عالمانه با مسائل مطروحه در این زمینه باشد.

### کیفیت تقسیم بیت‌المال از منظر فقه اسلامی

فقه‌های مذاهب اسلامی درباره تقسیم بیت‌المال اختلاف نظر دارند، اما از دیدگاه فقه‌های شیعه باید بیت‌المال بطور مساوی بین مستحقین تقسیم گردد. شیخ طوسی در این مورد چنین می‌گوید: «در

- تزکیه باطنی پرداخت کننده و تصفیه اموال او: هدف سوم برای توزیع مجدد تزکیه معنوی اهداکننده و پالایش ثروت اوست.  
- تقویت حس برادری میان مردم: آخرین هدف تقویت حس برادری میان مردم است که به این هدف نیز در منابع دینی به عنوان یکی از اهداف توزیع مجدد تصریح شده است.



مصرف بیت المال بین مردم بخاطر شرافت یا سابقه بیشتر در اسلام و یا دانش و زهد، فرقی نباید گذاشت، و شیوه علی (علیه السلام) همین بود که بیت المال را بطور مساوی قسمت می‌کرد، ابوبکر نیز همین روش را داشت، حتی به افرادی که حاضر نمی‌شدند نیز به همان اندازه می‌داد، ولی عمر دسته‌ای را به دسته دیگر برتری می‌بخشد». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۹) در دیدگاه اسلامی توزیع صحیح بیت‌المال بر دو پایه اصلی استوار است. پایه اول رعایت عدالت است. عدالت توزیعی به مساله توزیع دارایی‌ها و ثروت‌ها و حقوق و مزایا و امتیازات اجتماعی میان افراد جامعه مربوط می‌شود. (واعظی، ۱۳۹۳، ص ۵۵) اسلام برای عدالت اقتصادی در توزیع ثروت‌های عمومی، دو معیار اصلی قائل است. مورد اول، اولویت داشتن تأمین اجتماعی و توجه به طبقات محروم و ضعیف جامعه و کوشش برای بهبود وضع ایشان است و مورد دوم رعایت برابری در حقوق همطرازان؛ مانند پرداخت حقوق برابر به همه قاضیان و هر صنف شغلی جامعه است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ص ۵۱-۵۴ و ج ۲۱، ص ۲۱۴) پایه دوم نیز را کد نگذاشتن اموال عمومی و شتاب در هزینه‌کرد توجیه‌پذیر آن است. (تقی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۲). اسلام به‌عنوان دینی کامل با مبنای مراعات حقوق افراد و استحقاق‌های ناشی از کار و نیاز و تساوی و... راهبردها و ابزارهای اجباری و داوطلبانه توزیعی متعددی را جهت جلوگیری از تمرکز ثروت در عده‌ای خاص و تضمین تأمین نیازهای اولیه و تأمین حداقل معاش برای گذران زندگی تمامی شهروندان ارائه می‌دهد، که این دیدگاه با نگرشی بر منش اقتصادی علی (علیه السلام) در حکومت پنج ساله شان قابل تبیین و تایید است.

#### سیره علوی در توزیع بیت‌المال

مسلمانان روش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در طول مدت زمامداری خلیفه دوم و سوم متروک شده بود و بر حسب اختلاف مناصب و مراتب، رواتب و عطایا را تقسیم می‌کردند؛ فراموش نمودند و پس از خلافت حضرت علی (علیه السلام) برای طبقه مرفه بسیار سخت و ناخوشایند بود که از امتیازات و مستمری‌های آن چنانی که مدت‌های مدید به آن خو گرفته بودند و دارایی‌های وافر و سرشاری گردآورده بودند؛ و حدود ۲۲ سال از مزایای عالی برخوردار می‌گشتند، صرف نظر کنند و به حق و عدالت روی آورند. بدون شك اگر برای مشروعیت تقضیل و برتری دادن برخی را بر برخی در عطایا و مستمری‌ها و سازش با اشراف و مترفین راهی وجود می‌داشت و به صلاح مسلمانان و بر وفق شرع مبین می‌بود، امیرمؤمنان (علیه السلام) در آن راه پیش قدم می‌شد و به همان روش عمل می‌کرد اما حضرت عطایا و مقررزی‌ها را به طور مساوی بر مسلمانان تقسیم

کرد<sup>۱</sup> و این موضوع برایش مسلم بود که احیای روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب می شود بین مسلمانان تفرقه و به وجود آید و از فرمانش سرپیچی نمایند و به معاویه بپیوندند. با این همه کشمکش ها و پیشامدهای ناگوار و شعله ور شدن آتش نبردهای خونین، آن حضرت حاضر نشد از روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) عدول نماید.

امام علی (علیه السلام) به تقسیم بیت المال، نگاهی دین مدارانه داشت. ایشان پس از تقسیم اموال محل بیت المال را جارو می کرد، و در آن جا دو رکعت نماز می خواند، و سپس خطاب به بیت المال می فرمودند: «روز قیامت برایم گواهی ده که من در تو، مال را از مسلمانان حبس نکردم». (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۳) همچنین آن حضرت (علیه السلام) می فرماید: این مال نه از آن من است و نه از آن تو! بلکه فیء و متعلق به مسلمانان می باشد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۱۱) اگرچه فیء به معنی اموالی است که از رهگذر تسلط بر بلاد کفر (از راه جنگ یا متارکه) بدست می آید و در شمار مالیات قرار ندارد، اما بهر حال در زمره منابع تأمین بیت المال و جزء اموال عمومی محسوب می شود و حضرت (علیه السلام) این اموال را متعلق به همه مسلمین دانسته و اعلام می دارد که مالکیت اموال عمومی از آن شخص حاکم نیست و در نتیجه قهراً چشم پوشی از گرفتن و جمع آوری آن نیز در حیطه اختیار حاکم نیست.

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به کسانی مانند طلحه و زبیر که به توزیع مساوی بیت المال اعتراض نمودند سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که بر تساوی بود یادآور شدند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۵-۳۸)

۱. ابن ابی الحدید نقل می کند: امام علی (علیه السلام) در دومین روز حکومت خود خطاب به مردم چنین فرمود: به خواست خدا نزد من بیایید، تا مالی را که پیش من وجود دارد در میان شما تقسیم کنیم، هیچ یک از شما نباید با ما مخالفت کند خواه عرب باشد یا عجم، اهل بخشش باشد یا نباشد... مردم نیز طبق دستور امام برای گرفتن سهم خود نزد او حاضر شدند. امام علی (علیه السلام) به خزانه دارش فرمود: از مهاجرین آغازکن و آنان را به حضور بطلب و به هریک سه دینار بده، سپس انصار را به حضور بطلب و به آنان نیز هر یک سه دینار بده، و پس از آنها هریک از مردم که حاضر شدند، سرخ پوست باشند یا سیاه پوست، به همین مقدار بده. سهل بن حنیف به اعتراضش برخاست و گفت: این شخص دیروز غلام من بود، و امروز او را آزاد کرده ام به او برابر من می دهی؟ امام علی (علیه السلام) فرمود: «هرچه به او دادیم به تو نیز می دهیم». به همه افراد سه دینار داد بی آنکه بین آنها فرقی بگذارد. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۵-۳۸)

۲. یاران آگاه و فداکار امام علی (علیه السلام) همچون عمار یاسر، ابوالهثیم تیهان و... که از اوضاع اطلاع داشتند، به حضور امام علی (علیه السلام) رفته و به عرض رساندند که: موقتاً انعطاف نشان دهید و برای سران قوم امتیازی قائل شوید تا بر ضد حکومت تو شورش نکنند، و بعضی از فرمانروایان ولایات را گرچه شایسته نباشند بر سر کار باقی بگذارید، اینها رجال قوم هستند نباید ناراحت گردند، ملاحظه آنها را بکنید، تا شما از فرصت استفاده کرده و پایه های حکومت خود را استحکام بخشید، وقتی که فرصت مناسبی پیش آمد، آنگاه نقشه واقعی خود را عملی سازید. امیر مؤمنان در پاسخ آنان در مورد اعتراض به تساوی در صرف بیت المال چنین فرمود: «آیا به من دستور می دهید به کسانی که تحت فرمانروایی من هستند ستم کنم تا یارانی گرد آورم، بخدا سوگند تا دنیا وجود دارد و تا ستاره ای دنبال ستاره دیگر حرکت می کند این کار را نخواهم کرد، اگر مال از آن خودم بود، آنرا بطور مساوی تقسیم می کردم، چه رسد به اینکه مال، مال خداست». آگاه باشید که بخشیدن مال در جای ناروا بریز و پاش و بیهوده نمودن آن است و اینگونه بخشش بخشنده را در دنیا بالا می برد، ولی در روز رستاخیز پایین می کشاند و در پیش مردم او را محترم می کند ولی در پیش خدا خوار می گرداند، و کسی مال خود را در جای نادرست و نزد نااهلان نگذاشت مگر آنکه خداوند، شکر آن مال





## نظارت بر دخل و خرج بیت‌المال و بازخواست کارگزاران

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به برخی از کارگزاران می‌نویسد: به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را، برداشته و آنچه را که می‌توانستی، گرفته و آنچه در اختیار داشتی، به خیانت خورده ای پس هر چه زودتر، حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند، از حسابرسی مردم، سخت‌تر است. (نامه ۴۰) امام علی (علیه السلام) خطاب به اشعث بن قیس، ضمن بیان پاره‌ای از مباحث حکومتی و اهمیت و جایگاه و مسئولیت در برخورد با بیت‌المال، می‌نویسد: **وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ، وَلَعَلِّي أَلَّا أُكُونَ شَرًّا وَلَا تَبْتَكَ لَكَ.**<sup>۱</sup> (نامه ۶)<sup>۲</sup> ایشان مصقله بن هبیره شیبانی را بر رعایت نکردن عدالت، توییح می‌کند و می‌نویسد: درباره تو، به من گزارشی داده اند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده ای و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسید که تو، غنیمت (بیت‌المال) مسلمانان را - که نیزه‌ها و اسبهایشان، گرد آورده و با ریخته شدن خونهایشان، به دست آمده - به عرب‌هایی که خویشاوندان تو هستند و تو را گزیده اند، پخش می‌کنی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید! اگر این گزارش، درست باشد، در نزد من، خوار، و منزلت تو، سبک گردیده است. پس حقّ پروردگارت را، لیبیک شمار و دنیای خود را با نابودی دین، آباد مکن که زیانکارترین انسانی. (نامه ۴۳)

آن حضرت درباره وظایف و مسئولیت‌های حاکم اسلامی، مطالبی بیان می‌کنند، از جمله اینکه نباید جمع‌آوری بیت‌المال مسلمانان را به دیگران واگذار کند، به گونه‌ای که حاکم، اطلاع و نظارتی بر آن نداشته باشد؛ و برای من، سزاوار نیست که لشکر و شهر و بیت‌المال و جمع‌آوری خراج و قضاوت میان مسلمانان و گرفتن حقوق درخواست‌کنندگان را، رها سازم، آنگاه با دسته‌ای بیرون روم و به دنبال دسته‌ای به راه افتم و چونان تیر نتراشیده در جعبه‌ای خالی به این سو و آن سو سرگردان شوم (خطبه ۱۱۹)

### اصلاح الگوی مصرف در استفاده از بیت‌المال

امام علی (علیه السلام) در باب اصلاح الگوی مصرف در استفاده از بیت‌المال خصوصاً در مورد مسئولین

۱. پیرا او حرام کرد. این بخشش‌های نابجا و ناروا، در دل مردم دوستی می‌آفریند اما اگر روزی پیش آمد بدی برای او رخ داد و به یاری آنها نیازمند شد، آنها بدترین و سرزنش‌کننده‌ترین یار و دوست خواهند بود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۰۹)

۲. پیش تو، مال‌هایی از ثروت‌های خدا بزرگ، هست و تو، خزانه‌دار آنها هستی، تا به من بسپاری. امیدوارم برای تو، بدترین زمامدار نباشم.

۳. ابن ابی‌الحدید، می‌نویسد، پس از اینکه نامه، به دست اشعث می‌رسد، ناراحت می‌شود و در میان مردم سخنرانی می‌کند و می‌گوید: «مرا، عثمان، فرماندار آذربایجان کرده و از امام علی، همانگونه که از عثمان پیروی می‌کردم، پیروی خواهم کرد...» دست آخر، اشعث به کوفه آمد و خود را تسلیم مولا علی (علیه السلام) کرد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۳۳)



حکومتی به چند محور اساسی پرداخته‌اند. ایشان بر مبهمانی کارگزاران نظام اسلامی نظارت داشتند<sup>۱</sup> و احتیاط و سختگیری در استفاده از بیت‌المال داشتند<sup>۲</sup>. ایشان در استفاده خویشاوندانشان از بیت‌المال قائل به هیچ تبعیض نسبت به سایرین نبودند و به عدالت رفتار می نمودند. سیره و روش امام علی (علیه السلام) نشانگر حساسیت بالا و نگرانی ایشان نسبت به بیت‌المال است<sup>۳</sup>. این حساسیت و اهتمام، در حدی است که آن حضرت را رنج می‌دهد و هیچ‌گاه، حتی دم مرگ، وی را رها نمی‌کند. ایشان در برخورد با متخلفان جدیت داشتند<sup>۴</sup> و نسبت به استرداد بیت‌المال از اختلاس‌گران کوتاهی نمی‌کردند<sup>۵</sup> و بر این اعتقاد بودند که هیچ چیز نمی‌تواند حقوق گذشته را باطل کند.

امام علی (علیه السلام) با وجود مشکلات سیاسی و جنگهای متعددی که در دوران خلافت او تحمیل شده بود

۱. روزی عثمان بن حنیف (استاندار بصره) دعوت فرد ثروتمندی را پذیرفت و سر سفره رنگین وی نشست. این کار عثمان بن حنیف، به امام علی (علیه السلام) گزارش شد. آن حضرت، ناراحت شد و ضمن نامه اعتراض آمیزی، مطالب بسیار مهمی را به وی گوش زد کرد. (نامه ۴۵)

۲. آن حضرت به عاملان خود چنین دستور می‌دهد: « قلمها را نازک بگیرد، سطرها را نزدیک هم بنویسد، از چیزهایی که فایده ندارد، احتراز کنید. در القاء معانی میانه‌روی نمایند، از زیاده روی دوری گزینید، زیرا اموال مسلمانان نباید ضرر ببیند و حیف و میل گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۰۵)

۳. در خطبه ۲۲۴، در مقام تبیین قبح ظلم و دوری از آن و اهتمام به رعایت حقوق مردم در بیت‌المال، می‌گوید: سوگند به خدا اگر بر روی خارهای سعدان، به سر ببرم و یا با غل و زنجیر، به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را، در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان، ستم، و چیزی از اموال را غصب کرده باشم. (خطبه ۲۲۴)

به خدا سوگند برادرم، عقیل، را دیدم که به شدت، تهدست شده و از من، درخواست داشت تا یک تن از گندمهای بیت‌المال را به او ببخشم. و پی در پی، مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می‌کرد. چون گفته‌های او را گوش فرا دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار می‌کنم و به دلخواه او، رفتار، و از راه و رسم عادلانه خود، دست بر می‌دارم. روزی، آهنی را در آتش گذاشته به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم. پس چونان بیمار، از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: «ای عقیل گریه کنندگان بر تو بگریند! از حرارت آهنی، می‌نالی که انسانی، به بازیچه، آن را گرم ساخته، اما مرا، به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش، با خشم خود، آن را گذاشته است؟ تو از حرارت ناچیز، می‌نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم؟ (نامه ۲۰)

امام علی (علیه السلام) در لحظات آخر عمرش به اهالی مصر درباره اهتمام و نگرانی نسبت به بیت‌المال، مینویسد: همانا، من، برای ملاقات پروردگار، مشتاق و به پاداش او، امیدوارم، لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان و تهکاران این امت، حکومت را به دست آورند آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند. (نامه ۶۲)

۴. آن حضرت در نامه ای به زیاد بن ابیه چنین نوشت: سوگند راست به خدا اگر به من خبر برسد که تو در اموال مسلمین چیز کم یا زیادی خیانت کرده ای، آنچنان بر تو سخت گیرم که تو را کم مایه و گران پشت و ذلیل و برکنار شده از مقام گرداند» (نامه ۲۰)

۵. از جمله روشهای امام علی (علیه السلام) نسبت به بیت‌المال، برگرداندن چیزهایی است که از بیت‌المال به غارت رفته است. در خطبه ۱۵، درباره بیت‌المال تاراج شده می‌گوید: به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن، ازدواج کرده و یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا، در عدالت، برای عموم گشایش است و آن کسی که عدالت، بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است. (خطبه ۱۵)

نتیجه سیاست تولید و توزیع ثروت را در مناطقی که تحت تسلط ایشان بوده، این گونه بیان می‌کند: «ما أصبح بالكوفة أحد الأعمام وإن أدناهم منزلة من يأكل البر ويجلس في الظل ويشرب من ماء الفرات» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۹) یا در ضمن خطبه ۸۷ می‌فرماید: «... و ألْبَسْتُكُمْ العَافِيَةَ مِن عَدْلِي»<sup>۲</sup>. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۷۳) از عدالت خود، لباس عافیت بر تن شما پوشانیدم. در این عبارت، حضرت بیان می‌دارد به واسطه عدل خود، عافیت، که به نظر می‌آید ظهور در بهبود وضعیت معیشت مردم دارد، را برای آحاد جامعه به ارمغان آورده است. در این بیان، امام (علیه السلام) از فعل ماضی استفاده کرده است که نشان می‌دهد، به واسطه عدالت و توزیع عادلانه ثروت این عافیت و بهبود در وضعیت معیشت عموم حاصل شده و نتیجه داده است. نگاه حضرت علی (علیه السلام) به مفهوم عدالت، نه نگاه محافظه کارانه و انطباق با وضع موجود و نه نگاه صرف مساوات گرایانه بود. انطباق پاداش های اجتماعی و مادی برحسب تلاش فردی، ارج نهادن حاکم عادل به شایستگی های افراد، و رفع حداقل نیاز همه افراد جامعه در عین پذیرش خلقت برابر انسان‌ها در نگاه حضرت به عدالت وجود داشت (معمار، ۱۳۹۳، ص ۴۷).

#### اختصاص بیت‌المال به فقرا در زمان خلافت امام علی (علیه السلام)

در صحیح حماد نیز آمده است: «امام وارث کسی است که وارث نداشته باشد، (چون) مخارج کسی را که راهی برای اعاشه ندارد، بر عهده می‌گیرد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۲۴) اصولاً مبنای مقررات اسلامی بر طرفداری از نیازمندان و بینوایان و رفع احتیاجات ایشان است، و مانع از آن است که اختلافات طبقاتی به وجود آید و یک طبقه از بندگان خدا در محرومیت و رنج به سر برند؛ لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در هنگام تقسیم غنائم فرمود: «کسانی که بی نیازند، غنایم را به ضعیفان (و نیازمندان) برگردانند». (ابو عبید، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۱) ابوصالح سمان گفت: «علی (علیه السلام) را دیدم که وارد بیت‌المال شد و در آن جا مالی را مشاهده کرد. آن گاه فرمود: این مال این جا است و حال آن که مردم نیازمندند بلافاصله دستور داد که آن را بین مردم تقسیم کنند. پس از آن فرمود که بیت‌المال را جارو کنند و آب بپاشند. و در آن (به شکرانه این عمل شایسته) نماز گزارد». (بالذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۳)

ابوبکر عطایای بیت‌المال را به طور مساوی بر مردم تقسیم می‌کرد و می‌گفت: «کسی که در اسلام فضیلت و امتیازی دارد، از خداوند پاداش خواهد گرفت و ما را به آن کاری نیست و ما باید در تقسیم عطایا نسبت به همه روش یکسان داشته باشیم». خلیفه دوم این رویه را تغییر داد و بر طبق فضیلت و سابقه

۱. درکوفه کسی نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین ترین افراد نان گندم می‌خورند و سرپناه دارند و از آب فرات می‌آشامند.  
۲. از دادگری خود لباس عافیت بر شما پوشانیدم.



اسلام و خویشاوندی رسول خدا ﷺ عطا یا را تقسیم می نمود. اما هنگامی که امام علی (علیه السلام) زمام امور را به دست گرفت، سنت رسول خدا ﷺ را احیا فرمود<sup>۱</sup> و همه نیازمندان را به گونه‌ای یکسان از عطا یا بهره مند ساخت. و این راه و روشی بود که رسول خدا ﷺ آن را ترسیم کرده بود. و قرآن مجید نیز مردم را به همین امر توجه داده است.<sup>۲</sup>

### تحلیل و بررسی دیدگاه ها

از جمله دسته بندی هایی که برای توزیع درآمدهای ناشی از منابع بیت‌المال وجود دارند می توان به این دسته بندی زیر اشاره کرد:

- ۱- همه گروه‌های درآمدی جامعه به‌طور یکسان از بیت‌المال سهم می‌برند.
- ۲- همه گروه‌های درآمدی جامعه به‌طور متفاوت و غیریکسان به نفع طبقات بالای جامعه از بیت‌المال سهم می‌برند.
- ۳- همه گروه‌های درآمدی جامعه به‌طور متفاوت و غیریکسان به نفع طبقات پایین جامعه از بیت‌المال سهم می‌برند.
- ۴- فقط طبقات پایین جامعه از بیت‌المال سهم می‌برند.
- ۵- فقط طبقات بالای جامعه از بیت‌المال سهم می‌برند.
- ۶- ابتدا گروه‌های جامعه به تفاوت از بیت‌المال سهم می‌برند، و بعد از آن تمام گروه‌ها به‌طور یکسان از بیت‌المال سهم می‌برند. (عاملی، ۱۳۹۲، ص ۷۹)

در تحلیل این چند دیدگاه باید گفت که در دیدگاه اول، یعنی اینکه همه گروه‌های درآمدی جامعه به‌طور یکسان از بیت‌المال سهم می‌برند، تا اندازه زیادی صحیح به نظر می‌رسد، کما اینکه بزرگانی همچون صاحب جواهر و شیخ انصاری از فحوای تعریفی که از عدالت می‌کنند به نظر می‌رسد که به این دیدگاه قائل شده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۸۰ و انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۲) در دفاع از این نظر

۱. امام علی (علیه السلام) در نامه ای که به مالک اشتر نوشت، چنین توصیه کرد: «خدا را، خدا را نسبت به طبقه (تهیدست و) پایین اجتماع همان بینوایان و نیازمندان و گرفتاران در سختی که هیچ چاره ای ندارند؛ زیرا در این طبقه نیازمندی هستند که نیاز خود را اظهار می‌کنند و برخی از ایشان اظهار فقر نمی‌نمایند (و فقر خود را پوشیده می‌دارند). حق خدا را که تو را نگهبان حق خودش قرار داده، درباره ایشان مراعات کن. قسمتی از بهره های املاک خالصه (دولتی) را، در هر شهر (و دیار) برای ایشان قرار بده ... و به یتیمان و سالخوردهگان که چاره ای ندارند و خویشان را در معرض درخواست واقع نمی‌سازند، رسیدگی کن. این کارها بر حکمرانان گران (دشوار) است و حق همیشه تلخ است». (نامه ۵۳)

۲. در ذیل به ذکر آدله ای در این زمینه ارائه میگردد.

باید چند نکته را مد نظر قرار داد:

اول: بایستی شرایط اقتصادی زمان حضرت علی (علیه السلام) و نابسامانی‌های به وجود آمده در بیت‌المال از زمان عثمان را مد نظر قرار داد. درست است که آن حضرت تاکید بسیاری بر تقسیم مساوی بیت‌المال داشتند ولی با دقت در فحوای فرمایشات حضرت در اولین سخنانشان پس از خلافت<sup>۱</sup> (خطبه / ۳) روشن می‌شود که این تاکید شدید بر توزیع مساوی بیت‌المال فقط در جهت برچیدن سنت غلط تفاضل بود، که از بدعت‌های به جا مانده از دوره عمر بود که در زمان عثمان نیز بدون تدبیر افزایش یافته بود.

دوم: به نظر می‌رسد هدف آن حضرت از تقسیم مساوی بیت‌المال ایجاد نوعی شوک به جامعه و ساختار شکنی در جهت جلوگیری از دریافت‌های نجومی زمان عمر و عثمان و بازگرداندن اذهان مردم به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در توزیع بیت‌المال بوده است. همان طور که آن حضرت خطاب به کسانی مانند طلحه و زبیر که به توزیع مساوی بیت‌المال اعتراض نمودند سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که بر تساوی بود یادآور شدند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۵ - ۳۸)

سوم: باتوجه به مدت پنج ساله حکومت علوی به نظر می‌رسد مقصود حضرت در ابتدا مبارزه با اختلاف شدید طبقاتی و اشرافی‌گری عرب و تفوق عرب بر عجم و دیگر فضایل (واهی که باعث تفاوت در برخورداری از بیت‌المال شود) در دریافتی‌های بیت‌المال بوده و سپس ایجاد نوعی رفاه عمومی در سطح جامعه و کشیدن طبقه ضعیف و محروم جامعه به سطحی نسبی ای از درآمد و رفاه بوده است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۳ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۲۷)

چهارم: تداوم در توزیع مساوی بدون در نظر گرفتن معیارهایی همچون نیاز، کار و کارایی و مصلحت و..... دارای اشکالات بسیاری است. (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۰)

ضعف دیدگاه دوم و پنجم، با توجه به مطالبی که تا اینجا گفته شد، آشکار گردید از این رو نیازی به اعاده مطلب نیست. دیدگاه سوم و چهارم (در یک نگرش سطحی) خالی از قوت و دلایل معتبر می‌باشند و مطالب بسیاری ذکر شد، که نشان دهنده اولویت نیازمندان در برخورداری از بیت‌المال بوده و یا حتی ممکن است اختصاص بیت‌المال به آنان برداشت شود، این مطالب عبارت بودند از:

۱. رسول خدا فیء بنی النضیر را بر مهاجران تقسیم نمود، چون در فقر و عسرت به سر می‌بردند و فقط، دو نفر از انصار را که اظهار تنگدستی نمودند، از آن مال برخوردار نمود. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۱۵ و ماوردی، بی تا، ص ۲۵۵)

۱. كَظَّهُ ظَالِمٌ وَ سَغِبَ مَظْلُومٌ»

۲. در سوره «حشر» پس از آن که فیء بنی النضیر ذکر شده، فرموده است: (لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ...) (قرآن کریم ۵۹: ۸) از این آیه فهمیده می‌شود که فیء و اموال عمومی ابتدا باید در جهت برطرف کردن فقر و فاصله طبقاتی اقشار نیازمند جامعه باشد.

۳. رسیدگی خاص پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به طبقه نیازمند جامعه که در سیره نشان دهنده توجه خاص شارع مقدس به تامین نیازمندان در وهله اول است. (بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۲۹)

۴. یکی از سیاستهای کلی امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در ابتدای شروع به کارشان بیان نمودند ویکی از علل اصلی قبول خلافت توسط ایشان، مبارزه با فاصله طبقاتی و فقر شدید نیازمندان بود (خطبه ۳) در پاسخ این دلایل باید گفت:

در مواردی بسیاری وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) (بنابر مصلحت) بیت‌المال را بین ثروتمندان (به جهت تالیف قلوب) تقسیم نمودند. (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۷ و واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۴۴) و یا بر اساس کارایی در جنگ‌ها سهم سواره را دو برابر پیاده می‌پرداختند. (ماوردی، بی تا، ص ۲۵۶) در بحث اقطاع نیز پیامبر اکرم (ص) به معیار کارایی و قدرت بهره برداری افراد نظر داشتند، بنا براین اختصاص یا اولویت بهره مندی از بیت‌المال، منحصر در نیاز مستمندان و فقرا نیست.

از طرف دیگر آیه هشتم سوره حشر که در اینجا ذکر شده است حصر را نمی‌رساند چون باتوجه به آیه قبل آن روشن می‌شود که خداوند در مقام بیان گروه‌هایی است، که از اموال فیء سهم می‌برند و یک گروه از این گروه‌ها، فقرا و مهاجرین می‌باشند.

و از طرف دیگر سیاست کلان اقتصادی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام) فقط اختصاص یا اولویت دادن بیت‌المال به فقرا نبوده است بلکه ایشان هدفی والاتر را جستجو می‌کردند که خود دارای چند جنبه است ۱- مبارزه با فقر ۲- پیشگیری (در زمان پیامبر (ص)) و درمان اختلاف و شکاف طبقاتی در جامعه اسلامی (در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام)) ۳- گسترش عدالت اجتماعی و استفاده بهینه از منابع بیت‌المال و در نهایت برقراری مساوات بین همه مسلمین و بدین جهت بوده که پیامبر اکرم (ص) در هر موقعیتی معیار متناسب با توزیع همان موقعیت را مورد توجه قرار می‌دادند، با اینکه فقر و نیازمندی همواره در گوشه‌ای از جامعه وجود دارد، و این اختیار نشان دهنده انعطاف امر توزیع با توجه به شرایط زمان و مکان دارد و به نوعی، منطقه‌الفراغی<sup>۱</sup> (صدر، ۱۴۱۷، ص ۳۸۰) هست که دست حاکم اسلامی را برای هرگونه تصرف مدبرانه و کارشناسانه‌ای باز می‌گذارد تا با در نظر گرفتن عمومات ادله و مصالح جامعه اقدام کند.

۱. منطقه الفراغ، نظریه‌ای است در فقه شیعه که از وجود قلمروی فاقد حکم شرعی در دین خبر می‌دهد.



دیدگاه منتخب نگارنده عبارت است از اینکه ابتدا گروه‌های جامعه به تفاوت از بیت‌المال سهم می‌برند، و بعد از آن تمام گروه‌ها به‌طور یکسان سهم می‌برند- بایستی گفت با دقت در سیره نبوی و علوی و نحوه توزیع بیت‌المال توسط ایشان و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال زمان هریک از آن دو بزرگوار این دیدگاه دقیق تر و صحیح تر به نظر می‌رسد؛ زیرا همانطور که گفته شد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام و روزهای نخستین تشکیل جامعه اسلامی در مدینه هر مالی که به دستشان می‌رسید بی درنگ توزیع می‌نمودند و در این توزیع مساوات را سرلوحه کار خویش قرار می‌دادند و همواره هدف خود را حمایت از بیچارگان در برابر زورمندان و بر طرف کردن تمام تبعیضات و امتیازات موهوم و برقراری تساوی در برخورداری از حقوق عمومی بیان می‌نمودند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۱۶۶) با اندک تأملی در تاریخ آن دوره و فقر و نیاز شدید مسلمانان (مخصوصاً مهاجران) از یک سو و از سوی دیگر یکسانی و برابری همه اقشار جامعه اعم از کشاورز و دامدار و .... در برخورداری از ثروت‌ها، دلیل این روش توزیعی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روشن می‌شود. کما اینکه مشاهده می‌شود، اندکی بعد از این دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از جنگ با یهودیان بنی قینقاع (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۹۹۸) به دستور خداوند (قرآن کریم ۸: ۴) اقدام به کسر خمس از غنائم جنگی و تفکیک قائل شدن بین اموال بدست آمده در اثر جنگ (مفتوحه عنوه) یا در اثر صلح (فیء) شدند. و از این دوران به بعد بود که هزینه کردهای بیت‌المال جهت دار شد و معیارهایی مانند نیاز (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۱۵ و ماوردی، بی تا: ۲۵۵) و کار (ماوردی، بی تا، ص ۲۵۶) و مصلحت (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۷) وارد عمل شد، هرچند که همواره معیار تساوی سرلوحه کار ایشان بود و مقدار بسیاری از اموال بیت‌المال که مصرف مشخص دارند برای نیازمندان هزینه می‌شد.

در واقع نکته‌ای که از عملکرد نبی اکرم در بیش از دو دهه حکومت و زعامت برداشت می‌شود این است که ایشان در صدد رشد اقتصادی همگون جامعه در همه عرصه‌ها اعم از فرهنگی و نظامی و صنعتی و کشاورزی و... بودند، و این رشد را معطوف به یک قشر خاص نیز نمی‌کردند و خواهان رشد همه اقشار جامعه بودند و به شدت از تمرکز ثروت و ایجاد فاصله طبقاتی پرهیز می‌کردند.

همچنین با بررسی اوضاع و احوال و شرایطی که امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت رسیدند می‌توان گفت که همان روش توزیعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این دوره نیز مورد عمل قرار گرفته است؛ زیرا طبق روایات رسیده از معصومین علیهم السلام آن حضرت همواره در سلوک زندگی دنیوی و اخروی شان پا جا پای رسول



اکرم علیه السلام می‌گذاشتند<sup>۱</sup> هر چند بنابر اقتضائات زمانی تفاوتی در این میان وجود دارد که باید مورد توجه قرار داد و آن اینک:

۱. حکومت علی علیه السلام در سال ۳۵ هجری و بعد از ۲۵ سال خانه نشینی حضرت بود، و این فاصله زمانی طولانی بین حکومت ایشان حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود موجبات تغییرات بسیار در خیلی از رویه های فرهنگی و معاش و اقتصاد و صنعت و... که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله متداول بوده، می‌شود.

۲. مبنای عمر و عثمان بر تقاضل بود (المقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۷۶) که این امر شرایط را برای حضرت امیر علیه السلام بسیار سخت کرده بود، و مبارزه با این ساختار و فرهنگ غلط، وقت و انرژی بسیاری از آن حضرت گرفت و تقریباً بیشتر ایام خلافت ایشان در راه جنگ ها و مناقشات بر سر امحاء این سنت اشتباه دو خلیفه قبل سپری شد.

۳. در اثر این تقاضل و سیاست‌های اقتصادی زمان عثمان، شکاف طبقاتی عجیبی بین مسلمانان به وجود آمده بود، مخصوصاً نظام سرمایه داری و زمین داری و زمین خواری وسیعی که به وجود آمده بود و جمع کردن ابعاد وسیع این فساد زمان بسیاری را می‌طلبید. (طه حسین، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۱۰)

۴. تفاوت ظاهری در روش توزیعی پیامبر اکرم و امام علی علیه السلام به واسطه سطوح درآمدی و ثروت در ابتدای اسلام بوده است.

باید توجه داشت که کشورگشایی های عمر و فتح سرزمین های مفتوح العنوه درآمد سرشاری را نصیب جامعه مسلمین کرده بود و این امر باعث ارتقای سطح عمومی جامعه از جهت مالی شده بود.

۵. مدت حکومت امام علی علیه السلام بسیار کوتاه بود (کمتر از ۵ سال) که بیشتر آن هم صرف جنگ شد. با تمام این تفاوت‌هایی که بین حکومت علوی و نبوی وجود داشته است، باز هم امام علی علیه السلام در کار خود موفق بود و توانست دست‌های بسیاری را از بیت‌المال کوتاه کند؛ اموال بسیاری را همانطور که در ابتدای بدست گرفتن قدرت وعده داده بودند برگرداند، و تا حدودی رفاه نسبی را به طبقه محروم و ضعیف جامعه بازگرداند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۲۷) و حتی اگر حکومت ایشان چند سال بیشتر طول می‌کشید یا ایشان قبل از عثمان و افتادن قدرت به دست امویان به حکومت می‌رسیدند، مسیر اسلام و جامعه اسلامی به سوی انحطاط و طاغوت و نظام اشرافی‌گری و فئودالیسم منحرف نمی‌گردید. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که بنابر تقسیم بیت‌المال به بیت‌المال حاکم اسلامی و بیت‌المال عموم مسلمین هریک از منابع بیت‌المال تحت قواعد و مقررات خاصی قرار می‌گیرد و نسبت به

۱. کان یحذو حذو الرسول صلی الله علیه و آله و سلم (دعای ندبه)



توزیع خاص یا عام و مساوی یا متفاوت آن تعیین تکلیف می‌شود.

بنابراین با توجه به نوع درآمدها، در صدر اسلام؛ توزیع آن نیز متفاوت بوده و در واقع درآمدهایی که توسط پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) بصورت مساوی بین همگان توزیع می‌شده استحصالی شده از منبع جزیه یا خراج و مقاسمه بوده که به عموم مسلمین تعلق دارد و به بیت‌المال عمومی مسلمانان واریز می‌شود، (و رعایت مساوات در توزیع آن‌ها ضروری است) با این تفاوت که میزان این درآمدها در زمان پیامبر ﷺ ناچیز و کم و در زمان حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با توجه به کشورگشایی‌های زمان عمر بسیار زیاد بوده است.

ولی عمده درآمد بیت‌المال در زمان ما، از محل فروش بنزین و دیگر فرآورده‌های نفتی به قیمت غیر یارانه‌ای در بازارهای داخلی حاصل می‌شود؛ و این فرآورده‌ها نیز از نفت مستخرج از چاه‌های نفتی به دست آمده‌اند که این معادن جزء معادن باطنی بوده و طبق نظر فقیهان شیعه (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۱۹ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۲۹) در زمره انفال و تحت مالکیت امام (بیت‌المال حاکم اسلامی) قرار می‌گیرند، از سویی مصارف انفال در شرع مقدس مشخص نشده و به صلاح دید امام (علیه السلام) یا نائب وی (ولی فقیه) واگذار شده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد، پرداخت متفاوت منابع درآمدی از ناحیه انفال به لحاظ فقهی فاقد اشکال است. در حقیقت پرداخت بیت‌المال در این قسمت (انفال) منطقه‌الفراغی (صدر، ۱۴۱۷، ص ۳۸۰) است که حاکم اسلامی با توجه به شرایط زمان و اقتضائات جامعه اسلامی و سیاست‌های داخلی و خارجی و عمومات ادله و مقررات اسلامی نسبت به توزیع آن بر اساس یکی از تقسیمات شش گانه مزبور یا حتی صلاح دیدی خارج از آن‌ها اقدام می‌نماید.

### نتیجه‌گیری

توزیع عادلانه بیت‌المال از پرتنش‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحث اقتصادی مطرح در سطح جامعه بوده که بررسی و تحلیل نگاه اقتصادی الگوی تمام عیار عدالت، امام علی (علیه السلام) می‌تواند راهگشای دولتمردان حکومت اسلامی در جهت برخورد عادلانه و عالمانه با مسائل مطروحه در این زمینه باشد. در خصوص نحوه توزیع بیت‌المال دیدگاه‌های متفاوتی در طول تاریخ اسلام مطرح شده است. برخی بر این اعتقاد هستند که تمامی مسلمانان بر مبنای تشابه، حق دریافت بیت‌المال را دارند و برخی دیگر بر این باورند که توزیع بیت‌المال بر مبنای تشابه و تساوی نیست بلکه متناسب با شرایط جامعه و مردم در راستای اجرای عدالت ضابطه تقسیم بیت‌المال ممکن است تفاوت داشته باشد. امام علی (علیه السلام) هرچند برای مدت کوتاهی زمامدار جامعه اسلامی بوده‌اند، ولی با علم بی نظیر خود توانستند جامعه فاسد را نجات داده و

همچون اولین حاکم اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هزینه کردهای بیت‌المال را جهت دار کنند، به طوری که در صدد رشد اقتصادی همگون جامعه در همه عرصه‌ها بودند، و این رشد را معطوف به یک قشر خاص نکرده، بلکه خواهان رشد همه اقشار جامعه بوده و به شدت از تمرکز ثروت و ایجاد فاصله طبقاتی پرهیز کردند، در این راستا ابتدا با معیار کار، نیاز و مصلحت، سهام را می‌پرداختند و سپس تمام گروه‌ها به طور یکسان از بیت‌المال سهم می‌بردند. دلیل چنین رفتاری از امام علی علیه السلام در تقسیم بیت‌المال آن بوده است که بتواند شیوه نادرست خلفای قبلی را برهم زند و با ایجاد شوک به جامعه و ساختارشکنی از پرداخت حقوق‌های نجومی پیشگیری به عمل آورد و ضمن مبارزه با اختلاف شدید طبقاتی به ایجاد رفاه عمومی کمک نماید. لذا در شیوه توزیع بیت‌المال مدنظر امام علی علیه السلام در راستای عدالت توزیعی، عنصر زمان و مکان دخالت داشت است و اگر تفاوت‌های در تقسیم بیت‌المال مشاهده می‌شود بدین خاطر است.



## منابع

## قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق، محمد بن حسین شریف الرضی، محقق: صبحی صالح، قم: انتشارات هجرت.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
  ۲. ابن حیون، نعمان، ۱۴۰۹ ق، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم: جامعه مدرسین.
  ۳. ابن سعد، ابو عبدالله محمد، ۱۳۷۴ ش، الطبقات الكبرى، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
  ۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: انتشارات علامه.
  ۵. أبو عبید، قاسم بن سلام، بی تا، کتاب الأموال، بیروت: دار الفکر.
  ۶. اجتهادی، ابوالقاسم، ۱۳۶۳ ش، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
  ۷. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۱ ق، المكاسب المحرمه و البیع و الخیارات (ط-القدیمه)، قم: منشورات دار الذخائر.
  ۸. المقریزی، تقی الدین، ۱۴۱۸ ق، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دار الکتب العلمیه.
  ۹. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۳۷ ش، فتوح البلدان، مترجم: محمد توکل، تهران: نشر نقره.
  ۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، أنساب الأشراف، بیروت: دار الفکر.
  ۱۱. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۳ ش، الفارات، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
  ۱۲. حر عاملی، محمد حسن: ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
  ۱۳. رحیمی فر، مهری؛ دایی، بابک، ۱۳۸۲ ش، چگونگی بهبود توزیع یارانه‌ای پرداختی کشور در راستای حمایت از اقشار آسیب پذیر، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
  ۱۴. صدر، سید محمد باقر، ۱۴۱۷ ق، اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۱۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵ ش، تاریخ الطبری، ترجمه: ابو القاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
  ۱۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ ق، النهایه فی مجرد الفقه الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی.
  ۱۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.





۱۸. طه حسین، ۱۳۶۸ ش، *انقلاب بزرگ*، مترجم: شهیدی، تهران: موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
۱۹. قرشی، علی اکبر، ۱۴۱۲ ق، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. ماوردی، علی بن محمد، بی تا، *الأحكام السلطانيه*، القاهره: دار الحديث.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ ق، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. واعظی، احمد، ۱۳۹۳ ش، *نقد و بررسی نظریه های عدالت*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۵. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، *المغازی*، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۲۶. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله؛ و دیگران، ۱۴۰۰ ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تهران: مکتبه اسلامیة.
۲۷. یعقوبی، احمد، ۱۳۷۱ ش، *تاریخ الیعقوبی*، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۸. مقالات**
۲۹. احمدی، سید جواد، ۱۳۹۱ ش، معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی (علیه السلام)، *پژوهش نامه اخلاق*، ۵ (۱۸)، ص ۵۳-۷۶.
۳۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، حامی، مزگان، ۱۳۹۵ ش، آسیب شناسی عملکرد خلفای سه گانه بر اخلاق اجتماعی مسلمین با تکیه بر نهج البلاغه، *فصلنامه النهج*، ۱۴ (۴۹)، ص ۲۲-۷.
۳۱. عاملی، سید احمد، پاییز ۱۳۹۲ ش، «اصل مساوات و اصول الگوی اسلامی نظام توزیع». *پژوهشهای اجتماعی اسلامی*، ۱۹ (۹۸)، ص ۶۳-۹۰.
۳۲. معمار، ثریا، ۱۳۹۳ ش، تحلیل جامعه شناسی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام)، *فصلنامه علمی شیعه شناسی*، ۱۲ (۴۷)، ص ۴۷-۷۸.